



درد آمد

یکی از مهم‌ترین کارهایی که می‌توان در راه پاسداشت و ماندگاری یاد و نام شهدا انجام داد، ایجاد و تأسیس ستاد بزرگداشت است. در این زمینه برای ارج نهادن به خون اصحاب رسانه به‌عنوان شهدایی که خیرساز بودند، از میان اصحاب رسانه ستادی تشکیل شد که در این زمینه به فعالیت می‌پردازند. از جمله آنان آقای محمد عزیزی مدیر کل اداره صوت و تصویر و چند رسانه‌ای خبرگزاری فارس به‌عنوان دبیر ستاد شهدای رسانه است. از زبان وی با ستاد بزرگداشت شهدای رسانه بیشتر آشنا می‌شویم. باشد که این ستاد در کنف بیشتر حمایت ارگان‌های مربوطه (بنیاد شهید و امور ایثارگران) قرار گیرد.

گفت و شنود شاهد یاران با محمد عزیزی
(دبیر ستاد شهدای رسانه)

مدیون خون شهدا هستیم...

خدمتگذار جامعه رسانه‌ای و نظامی کشور: ایشان در فرازی فرمودند: « جوانان خدوم و ارزشمندی که در این حادثه مصیبت‌بار پر کشیدند، خاطره‌های به یادماندنی از خدمات خود را در حافظه همکاران و آشنایان خود به جای گذاشته‌اند. پاداش آن تلاش‌های با ارزش، امروز که ارواح آزاد شده آنان در پیشگاه پروردگار رحیم قرار گرفته، توشه گرانبهایی است که همه به امید آن و به خاطر آن زندگی می‌کنیم. »

در مجموع از همان زمان وارد عرصه تبلیغات و انتشارات شدم. کلاً کار روابط عمومی، کار خبری است و خدمات آن به خبر مربوط می‌شود. یا باید عکس و فیلم و ... تهیه کرد و یا تنظیم خبر را انجام داد. بعد از این دو سال، وارد روابط عمومی فروشگاه‌های زنجیره‌ای رفاه شدم. حدود هفت سال هم در آنجا فعالیت کردم. بعد از آن با توجه به تجربه و سابقه‌ای که به دست آورده بودم، برای راه‌اندازی یک مؤسسه فرهنگی-تبلیغاتی به وزارت ارشاد درخواستی دادم. بعد از موافقت با این طرح شروع به کار کردم و حدود پنج سال هم در آنجا مشغول بودم. الان هم پنج سال است که در خبرگزاری فارس فعالیت می‌کنم و رسماً وارد کار خبر شده‌ام.

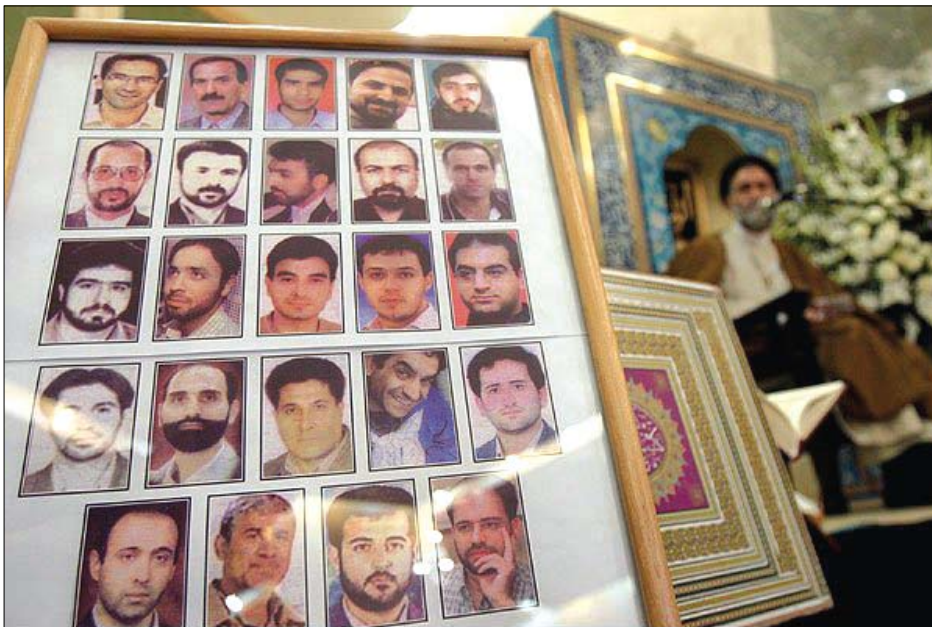
از زمان تأسیس ستاد شهدای رسانه و راجع به اهداف و فعالیت‌های آن توضیحاتی بدهید. همان‌طور که می‌دانید، در ۱۵ آذر ۸۴ هواپیمای C۱۳۰ که گروهی از خبرنگاران را برای رزمایش

عقیدتی-سیاسی دانشگاه افسری بود. در آنجا دو سال فعالیت کردم. هم کارهای گرافیکی و هم خطاطی و نقاشی می‌کردم. در روابط عمومی هم مسئول واحد گرافیک، سمعی و بصری بودم و هم فیلمبرداری و عکاسی کل دانشگاه به عهده من بود. آن زمان افتخار این را داشتم که سالی یک‌بار وقتی مقام معظم رهبری برای پایان دوره دانش‌پذیری و اعطای درجه دانشجویان تشریف می‌آوردند، کار دکور و نقاشی دیوارها و ... را انجام بدهم. یادم هست یک‌بار که با دست و صورت رنگی در حال کار کردن بودیم، آقا تشریف آوردند و با همان حال به ما "خسته نباشید" گفتند. همیشه این خاطره را در ذهن دارم و برایم بسیار لذت‌بخش است. هم‌چنین حیف می‌آید پیام آقا را در خصوص سانحه هواپیمای C۱۳۰ از قلم بیندازم. پیام تسلیت مقام معظم رهبری به جان باختگان

توقعات خانواده‌ها بیشتر
معنوی است ... الان
دست‌نوشته‌هایی از شهدا را
جمع کرده‌ایم که قصد داریم
آن را به‌صورت کتابی چاپ
کنیم. تمام اقدامات اولیه برای
چاپ آن کتاب انجام شده
است.

پیش از هر صحبتی خود را معرفی کنید.
من محمد عزیزی هستم. قبلاً به‌عنوان مدیر کل روابط عمومی و امور بین‌الملل خبرگزاری فارس بودم. حالا حدود سه چهار ماهی است که از نظر جایگاه سازمانی، مدیر کل اداره صوت و تصویر و چند رسانه‌ای خبرگزاری فارس هستم. درباره شهدای رسانه، ما با جمعی از دوستان برای برگزاری اولین سالگرد این شهدا به‌عنوان هیئت مؤسس این ستاد جلساتی را برگزار کردیم. در این جلسه دوستانی از روزنامه‌های همشهری، کیهان، خبرگزاری ایرنا، ایسنا و خبرگزاری مهر حضور داشتند. با تصمیماتی که در آن جلسات گرفته شد، بنده به‌عنوان دبیر ستاد شهدای اصحاب رسانه انتخاب شدم. با امید به اینکه بتوانم در این جایگاه به بهترین نحو به شهدا خدمت کنم.

از چه زمانی وارد حرفه خبرنگاری شدید و هدفان از انتخاب این حرفه چه بود؟
در دوران دفاع مقدس، محصل بودم و افتخار خدمت در آن دوران را نداشتم، ولی در پشت صحنه کارزار و پشت جبهه هر کار و خدمتی که از دستم برمی‌آمد در قالب بسیج دانش‌آموزی یا بسیج شهری انجام می‌دادم. بعد از اینکه خدمت سربازیم تمام شد، با امسال نوزده سال است که بی‌وقفه و پی‌در پی در قسمت روابط عمومی انجام وظیفه کرده‌ام. من از حدود سال ۷۰ در روابط عمومی وارد کار حرفه‌ای شدم. اولین جایی که فعالیت را آغاز کردم، اداره تبلیغات و انتشارات



عاشقان ولایت به چابهار می‌برد، به علت نقص فنی سقوط کرد و تعدادی از همکاران ما به شهادت رسیدند. دو تن از این شهدا، شهدای خبرگزاری فارس هستند که یکی به نام شهید علیرضا برادران نجار عکاس خبرگزاری و دیگری شهید محمدصادق میری به‌عنوان خبرنگار حوزه امنیتی و نیروهای مسلح بود و به نحوی کار خبری سیاسی هم انجام می‌داد. ایشان از خبرنگاران بسیار فعال بودند. با توجه به این حادثه ناگوار ما به همراه دوستانمان در سایر رسانه‌ها به این فکر افتادیم ستادی را تشکیل بدهیم تا بتوانیم هم آثار این عزیزان را جمع‌آوری کنیم و هم مراسم مربوط به آنها را به شکلی سازماندهی شده و در خور شأن آن عزیزان برگزار کنیم. ضمن اینکه در این ستاد با خانواده‌هایشان در ارتباط باشیم تا مشکلات آنها را به سازمان‌های مرتبط انتقال دهیم و موارد دیگری که ممکن بود اتفاق بیفتد. از این‌رو لازم دانستیم چنین ستادی را تشکیل بدهیم تا در این زمینه‌ها فعالیت کند. بر همین اساس جلساتی را برپا و اولین سالگرد شهدای اصحاب رسانه را برگزار کردیم. البته خوشبختانه با کمک و لطف آقای اشعری (مشاور رئیس جمهور و رئیس کتابخانه ملی) و همکاری آقای یاری (مدیر روابط عمومی سازمان اصناف) و آقای محسن همتی‌نژاد (مدیر تأمین برنامه شبکه خبر) و همکاری مؤسسه‌های مرتبط و بهشت زهرا توانستیم اولین سالگرد را خیلی خوب برگزار کنیم. ضمناً نمایشگاه عکس و

و یا ماهانه در آنجا جمع شویم و جلساتی را برگزار کنیم تا اگر خانواده‌ها مشکلی دارند به آن رسیدگی کنیم و یا اگر قصد برگزاری نمایشگاه داریم با هماهنگی بیشتری باشد و مواردی از این قبیل. آقای خامه‌یار قول‌هایی را به ما دادند تا دفتری را در اختیار ما بگذارند. گمان نمی‌کنم توقع زیادی هم باشد. چون گاهی ممکن است خانواده‌ها به خاطر مشکلاتی که دارند، نتوانند مستقیماً به بنیاد شهید مراجعه کنند، اما چون این ستاد خودجوش است و از میان اصحاب رسانه شکل گرفته است، راحت‌تر می‌تواند با خانواده‌ها ارتباط برقرار کند. مثلاً بعضی از خانواده‌ها با ما تماس می‌گرفتند و می‌گفتند فیلم فلان شهید را داریم. اگر بخواهید آن را برای شما ارسال می‌کنیم. یا حتی حاضر بودند دوربین سوخته شهیدشان را که به‌عنوان یادگاری نگه داشته بودند برای برپایی نمایشگاه در اختیارمان بگذارند، ولی به مرور زمان فعالیت ستاد کم‌رنگ شد. فعالیت آن تبدیل به سالی یک‌بار شده است. ما هر سال برای برگزاری سالگرد شهدا، یک ماه مانده به سالگرد با هم تماس می‌گیریم و در نمایشگاه، کتابخانه ملی و یا خبرگزاری فارس قرار می‌گذاریم و در

آثار شهدای رسانه را دایر کردیم. سازمان شهرداری هم یکسری بنرهایی را چاپ و در سطح شهر نصب کرد. افرادی از جمله دکتر الهام، آقای صفارهرندی (وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی)، آقای اشعری و تعدادی از نمایندگان مجلس و ... را به سالگرد دعوت کردیم. آقای الهام به‌عنوان سخنگوی دولت و از طرف دولت مقداری از هزینه را تقبل کردند. ما هم برای اینکه اقدامی جدی کرده باشیم و این مراسم را به‌طور جدی برگزار کنیم، از آقای ذاکری (که در خبرگزاری فارس فعالیت می‌کنند و البته مدیر هنری شاهد یاران هم هستند) خواستیم نشانی را برای ستاد طراحی کنند تا به‌عنوان نمادی از شهدای اصحاب رسانه باشد. با همکاری شهرداری پرچم‌هایی با این نشان (آرم) چاپ شد که الان هم در ستاد است. عکس تمامی شهدا را از خانواده‌شان گرفتیم و به بهترین شکل آنها را طراحی کردیم. این کلیتی از فعالیت ما در اولین سالگرد این شهدا بود که برنامه خوبی شد و بسیار هم مورد استقبال قرار گرفت.



نحوه ارتباط خانواده‌های شهدا با این ستاد چگونه است؟

بعد از برگزاری این مراسم در جلسه‌ای که با آقای دکترخامه‌یار معاون پژوهش و ارتباطات فرهنگی بنیاد شهید داشتیم، این موضوع را عنوان کردیم. اگر بخواهیم دائماً با خانواده‌های شهدا در ارتباط باشیم و رسماً به‌عنوان یک ستاد وارد عمل شویم، به امکانات زیادی نیازمندیم. از جمله فضایی است که بتوانیم بعد از ظهرها یا هفتگی

- ما هر سال برای برگزاری سالگرد
- شهدا، یک ماه مانده به سالگرد با
- هم تماس می‌گیریم و در نمایشگاه،
- کتابخانه ملی و یا خبرگزاری فارس
- قرار می‌گذاریم و در مورد کارها
- تصمیم می‌گیریم و برنامه‌ها را
- هماهنگ می‌کنیم. در واقع کار ما
- هر سال محدود به برگزاری مراسم
- در مزار شهدا با حضور خانواده‌ها
- شده است. البته خانواده‌ها هم از
- این مسئله دلخورند و انتظارات
- بیشتری از این ستاد دارند.

● همه شهدا، نظیر شهدای انقلاب،
 ● دفاع مقدس و شهدای اصحاب
 ● رسانه برای ما ارزشمندند.
 هر کدام به نوبه خود در حفظ
 نظام و مملکت قدم برداشتند و
 ما امنیت و آسایشمان را مدیون
 خون شهدا هستیم. هر کدام
 از ما هر کاری که از دستمان
 بریاید و انجام دهد، در مقابل
 رشادت‌های آنان هیچ کاری
 نکرده است.

جمع کرده‌ایم که قصد داریم آن را به صورت کتابی چاپ کنیم. تمام اقدامات اولیه برای چاپ آن کتاب انجام شده است.

از نهادها و ارگان‌هایی که برای ستاد شهدای رسانه جنبه حمایتی دارند، چه انتظاراتی دارید؟
 وقتی که دوستان ما می‌خواستند در این ستاد عضو شوند، ما به آنها گفتیم: «من برتر خودتان را زیر پاهایتان له کنید و سپس عضو این ستاد شوید». به خاطر اینکه ما نمی‌خواستیم فقط کاری انجام بدهیم و بگوییم که «من» این کار را کردم، بلکه باید بگوییم «ستاد» این کار را کرده است. به همین دلیل از ابتدا همه برنامه‌هایمان این بود که اعضای ستاد را یکدست کنیم و به صورت منسجم عمل کنیم تا بتوانیم قدم خوبی برداریم. همفکری سازمان‌های زیربند مثل سازمان رسانه ملی، ارتش و یا هر نهاد دیگری می‌تواند بهترین نتیجه و عملکرد را داشته باشد و به انسجام هرچه بیشتر این ستاد کمک زیادی کند. همه ما باید به این فکر کنیم که فقط قصد داریم قدمی برای شهدا برداریم و مهم نیست نام ما باشد یا نباشد. علاوه بر همه اینها برای اجرای طرح‌ها نیاز مالی داریم و از مؤسسات مرتبط انتظار حمایت مادی داریم. شهرداری که شاید خیلی هم با این ستاد مرتبط نباشد، حمایت مالی بسیار خوبی از ما کرده است. همین‌طور هم پست. وقتی این ستاد بخواهد رسماً فعالیت کند از هر ارگانی که بتواند به نوبه خودش در پیشبرد اهداف ستاد قدمی بردارد کمک می‌گیرد. در واقع از هر سازمانی که بتواند ستاد را برای رسیدن به اهدافش یاری کند، کمک می‌گیرد.

و اما سخن آخر؟

همه کارهایی که ما انجام می‌دهیم، «خدمت» است و خدمت پایانی ندارد. گاهی که با دوستانم صحبت می‌کنم، می‌گویم واقعاً همه شهدا، نظیر شهدای انقلاب، دفاع مقدس و شهدای اصحاب رسانه برای ما ارزشمندند. هر کدام به نوبه خود در حفظ نظام و مملکت قدم برداشتند و ما امنیت و آسایشمان را مدیون خون شهدا هستیم. هر کدام از ما هر کاری که از دستمان بریاید و انجام دهد، در مقابل رشادت‌های آنان هیچ کاری نکرده است. امیدوارم خدا به‌عنوان خدمتگزار کوچک توفیق خدمت را به من عنایت کند. ■

اولویت‌های فعالیت ستاد در زمینه‌هایی همچون نشر کتاب، خاطرات، نشست‌ها و برنامه‌ها و اهداف آتی آن را بیان کنید.

اولین انتظار خانواده‌های شهدای رسانه این است که ما در کنارشان باشیم. به بهانه‌های مختلف به آنها سر بزنیم و از احوالشان باخبر باشیم. ما حتی برنامه‌ریزی کردیم که روز تولد شهدا، به اتفاق اعضا، سراغ خانواده‌ها برویم و جوایز حالشان بشویم. به نوعی مرهمی بر دل رنجورشان بگذاریم و بگوییم که تنها نیستند و یا در روز تولد فرزندان شهدای رسانه آنها را با دادن هدیه شاد کنیم. تا حدودی این کارها را انجام دادیم و برنامه‌های زیادی هم در این زمینه‌ها داریم. ان‌شاءالله پس از اینکه در هیئت مؤسس در مورد این برنامه‌ها تصمیم نهایی گرفته شد، آنها را اعلام می‌کنیم. اگر به خانواده‌ها قولی می‌دهیم باید به آن عمل کنیم و در حد حرف نباشد. یا اینکه مثلاً در سالگرد شهدا علاوه بر مراسمی که گرفته می‌شود، در همین خبرگزاری‌ها هم مراسم تجلیل و بزرگداشتی برای شهدا برگزار کنیم. حتی یادم هست در یکی از مراسم تصویر صندلی خالی این شهدا را با عکسشان که روی کارتن پلاست به صورت برجسته برجسته چاپ شده بود، پر کرده بودیم. وقتی مادر یکی از شهدا آمد، تعجب کرد و فکر کرد پسرشان روی صندلی نشسته! یک شاخه گل و یک عدد شمع هم روی میز گذاشته بودیم. می‌توان کارهای زیادی را در این زمینه انجام داد. بسیاری از خانواده‌ها مشکل وام دارند و تا آنجایی که بتوانیم با سازمان‌ها هماهنگ می‌کنیم تا بتوانند از این تسهیلات استفاده کنند. توقعات خانواده‌ها بیشتر معنوی است، ولی اگر بتوانیم در کنار کارمان به آنها کمک مادی هم می‌کنیم. الان دست‌نوشته‌هایی از شهدا را



مورد کارها تصمیم می‌گیریم و برنامه‌ها را هماهنگ می‌کنیم. در واقع کار ما هر سال محدود به برگزاری مراسم در مزار شهدا با حضور خانواده‌ها شده است. البته خانواده‌ها هم از این مسئله دلخورند و انتظارات بیشتری از این ستاد دارند. مسلماً دوست دارند که فعال‌تر باشیم. امیدواریم با گذشت زمان این اتفاقات بیفتد. البته با جلسات متعددی که در این زمینه با مسئولین داشتیم، موفق شدیم فرهنگسرای به نام «فرهنگسرای رسانه» راه‌اندازی کنیم تا در این زمینه با ما همکاری کنند. هم‌چنین سایتی را برای شهدای اصحاب رسانه طراحی کردیم و مجموعه عکس‌ها، اطلاعات و مطالب مرتبط با شهدا را در آن قرار دادیم. با یکی از دوستانمان که در پست فعال بود هماهنگ کردیم و ایشان برای مراسم تمبر یادبود شهدا را چاپ کردند. هم‌چنین یک پارک و یک مدرسه به نام «شهدای اصحاب رسانه» نامگذاری شده است. ضمناً آقای خامه‌یار قول اختصاص انتشار یک شماره از مجله شاهد یاران را به یاد شهدای ۱۳۰C داده است که الحمدلله این امر تحقق یافته است. ما امیدواریم که به صورت رسمی‌تر وارد کار شویم و بتوانیم ارتباط قوی‌تری را با خانواده‌ها برقرار کنیم.

به طور کلی این ستاد از چه قسمت‌هایی تشکیل شده است و وظایف هر قسمت چیست؟

از روز اول تشکیل این ستاد، ما به صورت رسمی و حرفه‌ای شروع به کار کردیم و یک چارت تشکیلاتی برای ستاد نوشتیم. برای هر کدام هم حوزه‌هایی را مشخص کردیم. مثل بخش ارتباط با خانواده‌ها، بخش فرهنگی، تبلیغات، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌ها و ... که البته فعالیت این بخش‌ها به خوبی انجام می‌شود. مثلاً آقای همتی (از مسئولان و تهیه‌کنندگان شبکه خبر و برادر یکی از همین شهدا) در بخش ارتباط با خانواده‌ها به خوبی عمل می‌کند و رابطه بسیار خوبی برقرار کرده است. گاهی از این طریق صحبت‌ها و دغدغه‌های خانواده‌ها را به سازمان‌های زیربند منتقل می‌کنیم.

آقای کیانی (مدیر روابط عمومی روزنامه همشهری) در بخش سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های ستاد، آقای عباسی (مدیر روابط عمومی خبرگزاری ایسنا) در بخش رسانه و اطلاع‌رسانی فعالند و خبرها را تنظیم و به سایر رسانه‌ها ارسال می‌کنند. آقای محمدی هم در بخش برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری هستند. دوستانمان در شهرداری به‌عنوان بخش تدارکات و پشتیبانی به ما یاری می‌رسانند. بد نیست که از آقای عطا افشاری (خبرنگار سیاسی خبرگزاری فارس و شبکه خبر) یاد کنیم که چندی پیش در اثر ابتلا به بیماری سرطان فوت کردند. ایشان هم عضو ستاد بودند و با همکاری صدا و سیما برای ستاد صدا و کلیپی را ساختند. ما هنوز آن را به‌عنوان یادگاری از ایشان داریم. روحشان شاد! زمینه‌های فعالیت ما با توجه به امکاناتی که در اختیار داریم در این حد است، اما برای فعالیت رسمی‌تر و حرفه‌ای‌تر نیازمند حمایت بیشتر بنیاد شهید هستیم.